

تحلیل استراتژیک قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در بهره‌گیری از رقابت چین و امریکا بر اساس الگوی SWOT

چکیده:

در سال‌های اخیر شاهد رقابتی چندجانبه میان چین و امریکا بوده‌ایم. جمهوری اسلامی ایران با جایگاه ویژه ژئوپلیتیکی خود، در این رقابت حائز اهمیت راهبردی است. رقابت چین و امریکا و در واقع تغییر روند اعمال یکجانبه قدرت در سطح جهان، فرصتی برای کشورهای هم‌چون ایران است تا راهبردهای جدیدی را برای خود تعریف کنند و ضمن پرهیز از دخالت مستقیم در درگیری‌های احتمالی آتی، از آن بیشترین بهره را ببرند. لذا در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش: مناسب‌ترین استراتژی‌ها برای ایران جهت بهره‌گیری از رقابت چین و امریکا کدام هستند؟، بر مبنای مفهوم قدرت هوشمند، از الگوی تحلیلی SWOT جهت استخراج استراتژی‌ها استفاده شده است که نظام‌دهنده داده‌هایی است که با استفاده از منابع اسنادی-کتابخانه‌ای و مصاحبه نیمه‌ساختمند با صاحب‌نظران جمع‌آوری شده‌اند. در این الگو؛ قوت‌ها + فرصت‌ها: راهبردهای تهاجمی، قوت‌ها + تهدیدها: راهبردهای محافظه‌کارانه، ضعف‌ها + فرصت‌ها: راهبردهای رقابتی، و ضعف‌ها + تهدیدها: راهبردهای تدافعی را بدست داده‌اند. اهم استراتژی‌های مذکور شامل استفاده هم‌زمان از فناوری‌های دو قدرت در عین تلاش برای کاهش وابستگی به طرفین؛ توجه به مقوله دیپلماسی عمومی-رسانه‌ای جهت اقناع افکار عمومی در اتخاذ راهبردهای جدید؛ و برقراری روابط تجاری مناسب با سایر کشورها در کنار چین، برای جلوگیری از وابستگی به یک کشور هستند.

کلیدواژگان: قدرت هوشمند، تحلیل استراتژیک، رقابت چین و امریکا، الگوی SWOT

Abstract

In recent years, we have witnessed competition between China and the United States that includes various aspects. The competition between these two is an opportunity for Iran to make the most of it by defining new strategies and avoiding direct involvement in future tensions. Based on the concept of smart power and in order to achieve the best strategies, in addition to domestic weaknesses and strengths, we should also pay attention to the threats and opportunities created by the competition between the two. Therefore, in response to the central question of the research: What are the best strategies for Iran to take advantage of the competition between China and America? The information has been collected using documentary-library sources and semi-structured interviews with experts. In this pattern; Strengths + opportunities: aggressive strategies, strengths + threats: conservative strategies, weaknesses + opportunities: competitive strategies, and weaknesses + threats: defensive strategies. The main strategies mentioned include the simultaneous use of the technologies of the two powers while trying to reduce dependence on the parties; Paying attention to the category of public-media diplomacy to persuade public opinion to adopt new strategies; and establishing proper trade relations with different countries to avoid dependence on one country.

Key words: Smart power, SWOT strategic Analysis, Sino-American competition, hard power, soft power

در سال‌های اخیر، چین با پیشرفت‌های اقتصادی قابل توجهی که داشته، به مرور توانسته قدرت مسلم اقتصادی آمریکا را به چالش بکشد. امروز شاهد هستیم که اولویت اول سیاست خارجی آمریکا، مقابله با چین و کنترل آن است. به ویژه ابتکار کمربند و جاده که می‌تواند قاره آسیا را تبدیل به یک قطب اقتصادی کند، توجه ویژه‌ای را به خود معطوف کرده است. علاوه بر رقابت اقتصادی، معمای امنیت و رقابت‌های ایدئولوژیکی نیز در روابط این دو قدرت به چشم می‌خورد. این رقابت تا حدی برای دولت آمریکا حائز اهمیت است که این کشور غرب آسیا را از اولویت‌های خود خارج کرده و چند سالی است که در حال انتقال نیروهای خود از غرب آسیا به شرق این قاره است؛ پایان دادن به حضور در افغانستان و کاهش حمایت‌های مالی از عربستان در جنگ یمن، کاهش پایگاه‌ها و نیروهای نظامی در حاشیه خلیج فارس موید این ادعا هستند.

از سویی انتقال سرمایه‌ای که از غرب به سمت شرق در جریان است، که خود نمودی از انتقال قدرت می‌باشد، عامل محرکی است که کشورهای روابط خود با این دو قدرت و با یکدیگر را بازتعریف کنند و برنامه سیاست خارجی خود را با عنایت به این محیط در حال گذار بین‌المللی تدوین نمایند. جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهایی است که متاثر از این رقابت می‌باشد. فلذا تدوین راهبردهایی جهت بهره‌مندی از وضعیت کنونی و غلبه بر تهدیدها ضروری به نظر می‌رسد.

چارچوب مفهومی این پژوهش، قدرت هوشمند است که به معنای استفاده همزمان و هوشمند از ابعاد سخت و نرم قدرت می‌باشد. برای ارائه راهبردهایی برای جمهوری اسلامی ایران جهت استفاده حداکثری از فرصت‌هایی که عرصه بین‌الملل پیش روی آن قرار می‌دهد و مقابله با تهدیدهایی که وجود دارد، باید به قدرت هوشمند و مولفه‌های آن توجه داشت. برای ارائه استراتژی‌های مناسب نیز لازم است از الگویی منسجم بهره برد که به طور همزمان هم به امکانات و محدودرات داخلی توجه کند و هم شرایط بین‌المللی و فرصت‌ها و چالش‌های ایجاد شده از سوی آن را مورد بررسی قرار دهد. چنین نگاه همه‌جانبه‌ای می‌تواند راهبردهای عملیاتی را پیش روی ما قرار دهد و به همین دلیل، استفاده از الگوی SWOT مناسب به نظر می‌رسد. سوال اصلی این پژوهش این است که استراتژی‌های تهاجمی (SO)، رقابتی (ST)، تدافعی (WT) و محافظه‌کارانه (WO) مبتنی بر قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در فضای رقابتی میان چین و ایالات متحده چیست؟ در پاسخ به این پرسش، از الگوی تحلیلی SWOT جهت استخراج استراتژی‌ها بهره بردیم. در این الگو، که نوعی ماتریس چهارگانه است، در محل تلاقی نقاط قوت و فرصت‌ها راهبردهای تهاجمی، تلاقی نقاط قوت و تهدیدها راهبردهای محافظه‌کارانه، تلاقی نقاط ضعف و فرصت‌ها راهبردهای رقابتی و تلاقی نقاط ضعف و تهدیدها راهبردهای تدافعی را بدست آوردیم.

روش استفاده شده در این پژوهش تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی و عبارت دیگر، تلفیقی است. علاوه بر آن، با تعدادی از اساتید در حوزه سیاست خارجی، قدرت هوشمند، رقابت چین و آمریکا و نخبگان اجرایی که سابقه فعالیت دیپلماتیک در چین را داشته‌اند، مصاحبه نیمه‌ساختمند انجام شد و در هر بخش به فراخور تناسب، از نظرات کارشناسان استفاده شده و به صورت درون‌متنی، به مصاحبه با ایشان ارجاع داده شده است.

در موضوع قدرت هوشمند و تعریف آن به طور کلی، آثار متعددی وجود دارند؛ از جمله جوزف نای و ریچارد آرمیتاژ که به عنوان مسئولان مرکز مطالعات استراتژیک و بین الملل، مفهوم قدرت هوشمند را شرح داده و مولفه های قدرت هوشمند آمریکا را برشمرده اند (Armitage and Nye, 2007). جوزف نای نیز در سال ۲۰۰۹ در مقاله ای درباره لزوم پرداختن به قدرت هوشمند و ترکیب دو بعد سخت و نرم قدرت سخن گفته است (Nye, 2009). در باب مفهوم قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران نیز حسام الدین آشنا در کتاب "درآمدی بر قدرت هوشمند، مطالعاتی برای جمهوری اسلامی ایران"، ارائه تعاریفی از قدرت سخت و نرم را مدخل بحث خود قرار داده و پس از آن، به مفهوم و ضرورت بحث از قدرت هوشمند پرداخته است. در ادامه وی ضمن بررسی قدرت هوشمند از منظر رویکرد امریکایی، رویکرد ایرانی-اسلامی هوشمند سازی قدرت را بیان نموده و برنامه ای برای قدرت هوشمند ایران ارائه داده است (آشنا، ۱۳۹۰).

بخش دیگر آثار مورد بحث، ناظر به رقابت چین و آمریکا هستند. لورت و فلینت (۲۰۰۵) در مقاله ای به افزایش نیاز چین به منابع غرب آسیا و در نتیجه تبدیل شدن این کشور به رقیبی تأثیرگذار در این منطقه اشاره کرده است (Leverett and Flynt, 2005). ژانو نویسنده چینی نیز در پی ارائه رویکردی چینی از تحلیل رقابت استراتژیک چین و آمریکا است. وی معتقد است برای مدیریت رقابت، هر دو کشور باید ابتدا ذهنیت استراتژیک خود را نسبت به یکدیگر بازتعریف و اصلاح کنند؛ علاوه بر این، باید خطوط قرمز استراتژیک خود را مشخص کرده و به منافع یکدیگر احترام بگذارند و در پی «همزیستی رقابت آمیز» با یکدیگر باشند (Zhao, 2019). قربانی در مقاله "جنگ تجاری آمریکا و چین: علل و پیامدهای آن"، در صدد یافتن پاسخی برای چرایی جنگ تجاری آمریکا علیه چین و پیامدهای آن است. این مقاله نشان می دهد عضویت چین در سازمان تجارت جهانی و رشد اقتصادی آن باعث شده در سند امنیت ملی آمریکا از این کشور با عنوان رقیب استراتژیک یاد شود؛ لذا جنگ تجاری آمریکا علیه این کشور برای مهار رشد اقتصادی آن است (قربانی، ۱۳۹۹).

نویسندگان مقاله "سیاست غرب آسیای چین و رقابت آن با آمریکا" معتقدند رویکردهای این دو قدرت در غرب آسیا متفاوت بوده و البته رویکرد چین محبوبیت بیشتری دارد. نکته مهم مطرح شده در این مقاله این است که روابط ایران و چین همواره متأثر از آمریکا بوده است، برای مثال آمریکا چین را به دلیل فروش موشک های کرم ابریشم به ایران تحریم کرد. دلایل متعددی برای روابط اقتصادی ایران و چین و مخالفت چین با تحریم علیه ایران در این مقاله ذکر شده است (ابراهیمی و رضایی، ۱۳۹۱). خدایی در کتاب خود، نظریه های نئولیبرالیسم و نئورالیسم را به عنوان چارچوب نظری خود مطرح کرده و در نهایت رویکرد آمریکا نسبت به چین را به دو بخش تقسیم کرده است: بخشی تحت عنوان فشار بر چین و بخش دیگری به عنوان چانه زنی با چین که بیانگر دو رویکرد متفاوت از سوی آمریکا در برابر چین است (Khodaei, 2013). از میان مقالاتی که در حدود زمینه رقابت آمریکا و چین و نقش ایران در میانه این رقابت نگاشته شده اند، پژوهشی که مرکز مطالعات ایرانی در آنکارا با قلم محمدباقر فروغ با عنوان "ایران بین چین و آمریکا" منتشر نموده، تنها موردی است که مشخصاً به شرایط و موقعیت ایران در میانه رقابت چین و آمریکا اشاره کرده است. این مقاله با بررسی رقابت میان قدرت نظامی و ژئوپولیتیک آمریکا و قدرت ژئو اکونومیک چین، تلاش دارد رابطه ایران با هر یک از این دو قدرت و در میانه این رقابت را زیر ذره بین قرار دهد (Forough, 2021). باید توجه داشت که مقالات مذکور، تمامی ابعاد رقابت چین و آمریکا را پوشش نداده اند و به

راهبرد ها و استراتژی های مناسب جمهوری اسلامی ایران برای استفاده از فضای رقابتی میان دو قدرت چین و آمریکا با تکیه بر مفهوم و مولفه های بومی قدرت هوشمند ایرانی پرداخته نشده است.

۳- چارچوب مفهومی؛ قدرت هوشمند

در تعریف مفهوم قدرت نگاه های گوناگونی وجود دارد که هر یک ناظر بر ابعادی از آن مفهوم هستند. برای مثال، در گذشته قدرت به مثابه منابع آن در نظر گرفته می شد؛ به عبارت دیگر، قدرت در تعریف کلاسیک معادل مفهوم سخت قدرت در ادبیات امروز بوده است. جوزف نای قدرت را علاوه بر دسترسی به منابع، میزان توانایی یک کشور در بهره گیری درست از آن و اتخاذ راهبردهایی می داند که منجر به حصول نتیجه مطلوب شود (نای، ۱۳۹۲: ۲۱ و ۲۲). در دهه های اخیر، قدرت، مفهوم رابطه ای به خود گرفته است. رابطه ای در این نگاه یعنی بازیگر الف، حداقل در برخی ابعاد، باعث ایجاد تغییری در رفتار بازیگر ب می شود. رفتار در این تعریف شامل اعتقادات، تفکرات، ترجیحات، احساسات، انتظارات و زمینه های انجام یک عمل می شود (-Carlsnaes et al, 2013:274). (275).

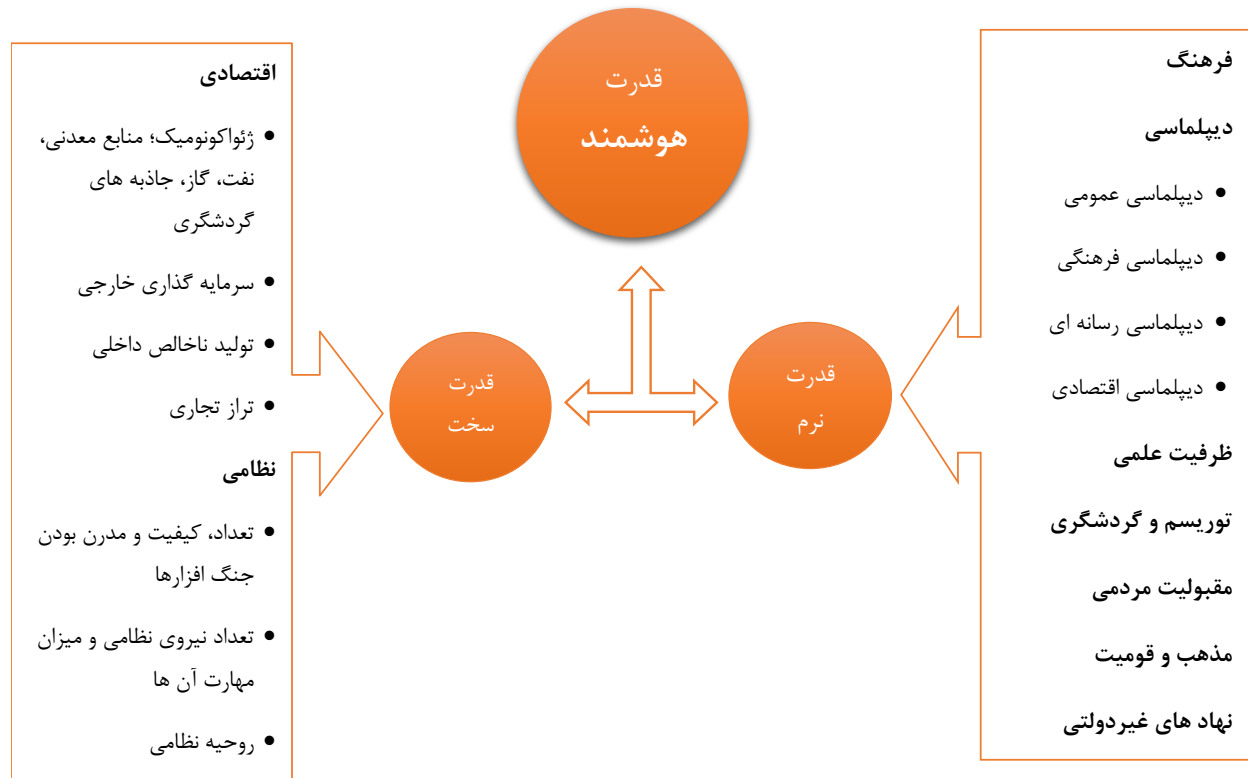
مفهوم **قدرت سخت** با نوع نگرش مورگنتایی، برگرفته از فلسفه سیاسی ماکیاولی و هابز قرابت دارد و به علت ماهیت سنتی، بیشتر بر محور سخت افزاری و نظامی گری است و شامل سازوکارهای خشونت آمیز می باشد که با هدف کنترل، مدیریت و یا حذف حریف از معادلات قدرت شکل می گیرد (نوروزی و تاج آبادی، ۱۳۹۵: ۲۱). در این مفهوم، قدرت گاه به مثابه کنترل منابع در نظر گرفته می شود که به معنای قدرت عینی و ملموس است. قدرت به مثابه کنترل بازیگران نیز قدرت ملی را چیزی می داند که باعث می شود یک بازیگر کاری را انجام دهد و یا ندهد که در غیر وجود این قدرت بیرونی، خلاف آن را عمل می کرد. این برداشت، برداشت رئالیستی از قدرت است و بیشتر معطوف به قدرت نظامی و سخت است. قدرت به مثابه کنترل نتایج رویکرد دیگری است که عمدتاً در پارادایم واقع گرایی و ذیل نیروی نظامی تعریف می شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۷-۱۴۹).

قدرت نرم عبارت است از توان اثرگذاری بر دیگران از طریق اهرم های تعیین چارچوبی مشخص برای برنامه کار، ایجاد رغبت و جاذبه مثبت در راستای کسب نتایج دلخواه. قدرت نرم روشی است برای رسیدن به نتایج دلخواه بدون تهدید و تشویق آشکار و محسوس. نگاه نای به مفهوم نرم افزارانه قدرت، نگاهی مبتنی بر جذب و اغواگری است (صالح نژاد، ۱۳۹۸: ۱۱). جوزف نای سه منبع اصلی را برای قدرت نرم معرفی کرده است: فرهنگ؛ به نحوی که برای دیگران دارای جذابیت و گیرایی باشد، ارزش های سیاسی؛ به طوری که خود هم در داخل و هم در خارج به آن پایبند باشند، و سیاست خارجی؛ در صورتی که مشروعیت آن مورد پذیرش دیگران بوده و با ارزش های بین المللی مطابق باشد (نای، ۱۳۹۲: ۹۹). قدرت نرم توانایی جذب مردم به سمت خود بدون اجبار و اکراه است. مشروعیت، مسئله اصلی در بحث قدرت نرم است (Nye and Armitage, 2007: 6).

قدرت هوشمند: به طور خلاصه قدرت هوشمند به معنای برآیند مولفه های نرم و سخت قدرت است. در طول تاریخ قدرت با مولفه هایی نظیر مقدار جمعیت و قلمرو، منابع طبیعی، قدرت اقتصادی، نیروهای نظامی و ثبات اجتماعی سنجدیده می شده است. اما قدرت سخت به تنهایی کافی نیست. علت مطرح شدن قدرت هوشمند از سوی نای، ناکارآمدی و محدودیت به کارگیری قدرت سخت و نرم

است. کارویژه خاص هر کدام از این دو نوع قدرت موجب بروز مشکلات بسیاری برای کشورها در راه کسب منافع خویش است. وی در خصوص ناکارآمدی قدرت سخت معتقد است که فرآیند تبدیل قدرت از منابع به نتایج دلخواه، یک متغیر میانی حساس و تعیین کننده است. برخورداری از منابع قدرت، ضامن کسب نتایج دلخواه در همه شرایط نیست. لازمه تبدیل منابع به قدرت ملموس، به مفهوم کسب نتایج دلخواه، راهبردی بهینه و مدیریتی مدبرانه است (صالح نژاد، ۱۳۹۸: ۱۹). قدرت هوشمند نه سخت است و نه نرم؛ بلکه ترکیب هوشمندانه این دو است. قدرت هوشمند به معنای توسعه یک راهبرد فراگیر، بر مبنای منابع و ابزار موجود با هدف تامین منافع و اهداف است (Nye and Armitage, 2007: 7). این راهبرد فراگیر شامل جنبه‌های دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی، سیاسی، قانونی و فرهنگی می شود. از اصلی ترین منابع قدرت سخت که نای به آن اشاره کرده است، قدرت نظامی، منابع موجود در یک کشور، جمعیت، ویژگی ژئوپلیتیکی و قدرت اقتصادی هستند. از سوی دیگر، منابعی مانند فرهنگ، ارزش های سیاسی، و سیاست خارجی منابع مهم قدرت نرم یک کشور به شمار می آیند (Zhonava, 2015).

شکل شماره یک، منبع: مولف



۴- چارچوب روش تحلیل: تحلیل استراتژیک SWOT

این الگو در اصل برای تدوین راهبردهای مناسب جهت توسعه اقتصادی یک مجموعه طراحی و به کار گرفته شد (Helms, 1999: 1). با توجه به تغییر و تحولات سریع و البته مهم در عرصه بین الملل، و همچنین با عنایت به امکانات و محذورات داخلی، واحدی (در این پژوهش واحد همان کشور بوده و مشخصا جمهوری اسلامی ایران مدنظر است) که بتواند محیط بیرونی را تحت تاثیر قرار داده و

تلاش کند با تکیه بر نقاط قوت، نقاط ضعف را پوشانده و آن‌ها را به حداقل برساند، می‌تواند منافع خود را به بهترین شکل تامین کند. (معمارزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۰).

در این روش، چهار مولفه تاثیرگذار یعنی نقاط قوت (Strength)، ضعف (Weakness)، فرصت‌ها (Opportunities) و تهدیدها (Threats) بررسی می‌شوند و در جدولی به شکل ماتریس قرار می‌گیرند. مزیت این جدول این است که برآیند هر یک از عوامل داخلی با بیرونی را سنجیده و در بخش مجزایی، حاصل این برآیند، تدوین استراتژی یا راهبردی مناسب خواهد بود. با توجه به دو مولفه داخلی و دو مولفه بیرونی در این الگو مدنظر هستند، در مجموع به چهار استراتژی خواهیم رسید؛ در محل تلاقی نقاط قوت و فرصت‌ها استراتژی تهاجمی، در برآیند نقاط ضعف و فرصت‌ها استراتژی محافظه‌کارانه، در تلاقی نقاط قوت و تهدیدها استراتژی تدافعی و در برآیند نقاط ضعف و فرصت‌ها استراتژی رقابتی استخراج می‌گردد.

۵- غرب آسیا در رقابت چین و آمریکا

منطقه غرب آسیا در دهه‌های اخیر در سیاست خارجی چین بازتعریف شده است. اهمیت این منطقه در تامین منابع نفتی و گازی باعث شده است که چین در پی دستیابی به منافع راهبردی در این حوزه باشد. پر واضح است که در این راستا چین تلاش بسیاری جهت ارتقا روابط خود با تولید کنندگان انرژی به ویژه در حوزه خلیج فارس داشته و خواهد داشت (طباطبایی و قیاسی، ۱۳۹۲: ۲۹۰-۲۹۱). هر چند چین تلویحاً نقش ایالات متحده را در غرب آسیا و به ویژه در منطقه خلیج فارس، پذیرفته و تلاش‌های آشکاری در جهت رقابت استراتژیک با آمریکا در این منطقه صورت نداده است؛ لکن آنچه حائز اهمیت است این است که چین علی‌رغم پذیرش نقش آمریکا در این منطقه، با هژمونیک شدن موقعیت ایالات متحده مخالف بوده است و این مخالفت‌ها را در قالب برخی حمایت‌ها از ایران و نیز موضعی متفاوت از ایالات متحده در شورای امنیت سازمان ملل، بروز داده است (سلیمی و رحمتی پور، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

در غرب آسیا نگرانی‌های ایالات متحده در مورد رفتار اقتصادی چین فراتر از رقابت در بازار است. آمریکا علاوه بر ابعاد اقتصادی، نگران استفاده چین از اجبار اقتصادی برای اهداف سیاسی و همچنین استفاده این کشور از سازمان‌ها و نهادها برای ایجاد وابستگی‌های دوجانبه است که می‌تواند برای مقاصد سیاسی نیز مورد استفاده قرار گیرد (شرفخانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۷۸)، چرا که منافع اقتصادی چین در غرب آسیا همچنین می‌تواند پایه‌ای برای گسترش قدرت نرم و نفوذ سیاسی این کشور باشد.

درست است که تا کنون وزن حضور اقتصادی چین در منطقه غرب آسیا بیش از سایر ابعاد کنشگری این قدرت فرامنطقه‌ای بوده است، اما با رخداد‌های اخیر سهم چین در ترتیبات امنیتی منطقه پررنگ‌تر شده و این خود جنبه‌ای متفاوت و البته هشداردهنده به رقابت آمریکا و چین می‌بخشد. میانجیگری چین در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی سعودی نشان‌دهنده اهمیت و اعتبار چین در منطقه و همچنین جایگاه این کشور در درگیری‌های امنیتی منطقه می‌باشد.

پلی که چین موفق شد پس از دیپلماسی فعال دو ساله که خود را در مذاکرات فشرده پنج روزه منتهی به اعلام عادی‌سازی روابط ایران و عربستان نشان داد، ایجاد کند، بیانگر تغییری در سیاست چین است. تا کنون نقش امنیتی چین در منطقه غرب آسیا محدود به جلوگیری از بدتر شدن وضعیت امنیت منطقه در نتیجه رفتار بازیگران و عناصر خارجی بود، اما با ایفای این نقش میانجیگری میان دو قدرت منطقه‌ای نقش خود را از کنترل آسیب، به تسهیل فعالانه روابط و کاهش تنش‌ها برای بازسازی نظم منطقه‌ای ارتقاء داد.

از سوی دیگر، در روزهای اخیر که زمزمه عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی به گوش می‌رسد، باید به اهمیت نقش امنیتی چین در منطقه توجه ویژه‌ای داشتو در حالی که عربستان در ازای عادی سازی روابط خود با اسرائیل خواهان تضمین های امنیتی و تعهدات شبه ناتو از امریکا و همچنین اجازه تاسیس نیروگاه هسته‌ای جهت غنی سازی راورانیوم است و با مخالفت های امریکا و رژیم صهیونیستی مواجه می‌شود، چین پیشنهادات خود را برای تاسیس چنین پایگاه هسته‌ای در خاک عربستان ارائه داده است. این مسئله به شکل مستقیمی ترتیبات امنیتی منطقه را دچار تغییر کرده و حتی کارت بازی قدرتمندی برای عربستان در چانه زنی با ایالات متحده در موضوع عادی سازی تلقی می‌گردد. در مجموع به نظر می‌رسد چین در آینده تاثیر بیشتری بر ثبات منطقه بگذارد.

۶- روابط ایران-چین-امریکا: فرصت‌ها و تهدیدها

روابط ایران و چین، بر خلاف ایران و امریکا که با مولفه‌های ژئوپلیتیکی قابل توصیف است، بر مبنای عوامل ژئواکونومیک استوار است. در حالی که امریکا در حال افزایش حضور خود به ویژه حضور دریایی در شرق آسیاست، چین با طرح کمربند (عنصر زمینی) و جاده (عنصر دریایی) در حال پیشروی به سمت غرب است. طرح کمربند و جاده دارای ۶ کریدور است که یکی از آن‌ها از غرب آسیا عبور می‌کند که شامل ایران شده و به نام کریدور آسیای مرکزی-آسیای شرقی^۱ موسوم است. بنابراین ایران با توجه به منابع انرژی، اقتصاد قابل ملاحظه، طبقه متوسط تحصیل کرده و نیروی کار و از همه مهم‌تر، مرکزیت جغرافیایی خود، دارای نقش کلیدی در مسیر توسعه کریدور مذکور می‌باشد (Forough, 2021: 7).

در دوران جنگ تحمیلی، امریکا با فروش موشک‌های کرم ابریشم به ایران، همکاری هسته‌ای ایران و چین در دهه ۱۹۹۰ و همکاری موشکی این دو کشور مخالفت نموده و در مسیر روابط ایران و چین تاثیر گذاشته است. در این مسیر، امریکا از اهرم‌هایی نظیر تحریم شرکت‌های چینی، فروش اسلحه به تایوان و اعمال فشارهای سیاسی جهت مانع تراشی در روابط ایران و چین استفاده کرده است (شریعتی نیا، ۱۳۹۹: ۱۰۳). با وجود اینکه چین در اواخر دهه ۱۹۹۰ کمک‌های هسته‌ای و موشکی به ایران را رسماً متوقف کرد، اما مانع توزیع کنندگان نیز نشد و ایران را در برنامه موشک‌های بالیستیک و کروز یاری رساند (Will and Taylor, 2021: 16).

علاوه بر خرید و فروش اسلحه میان ایران و چین در دوران جنگ که با دخالت امریکا متوقف شد، این دو کشور در زمینه‌های دیگر نظامی نیز با هم همکاری داشته‌اند. از سال ۲۰۱۴، وزرای دفاع تقریباً هر دو سال یک بار دیدارهای دوجانبه‌ای برگزار کرده‌اند. در دسامبر ۲۰۱۹، نیروی دریایی ایران مانور دریایی مشترکی با حضور چین و روسیه برگزار نمود. دریادار خانزادی فرمانده نیروی دریایی ارتش، این مانور را حائز اهمیت استراتژیک برای ایران دانست اما وزارت دفاع چین این مانور را بخشی از یک توافق تبادلات نظامی معمولی دانست. نکته قابل توجه این است که تنها چند هفته پیش از این مانور، چین عملیات مشترک مشابهی را به مدت ۳ هفته با عربستان سعودی به انجام رساند. اقدامی که گفته می‌شود برای ایجاد موازنه میان ایران و عربستان بوده است (Will and Taylor, 2021: 18).

روابط اقتصادی ایران با چین نیز همانند روابط نظامی متأثر از رویکردها و مواضع آمریکا بوده است. به ویژه تحریم‌های امریکا علیه ایران، هم مانعی بر سر تعاملات اقتصادی ایران بوده و هم در عین حال فرصت‌ها و زمینه‌هایی را برای تعاملات تجاری ایران با چین

¹ . the CAWA Corridor: Central-Asia West-Asia Corridor

فراهم آورده است. در بازه‌ی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ روابط ایران و چین بیش از پیش متأثر از سیاست‌های آمریکا شد. از یک سو ایران تحت فشار تحریم‌های شدید این کشور بود، و از سوی دیگر آمریکا و چین در تلاش برای ایفای نقش‌های بین‌المللی، روابط حسنه‌ای هم با ایران و هم آمریکا برقرار نموده بود (شریعتی نیا، ۱۳۹۹: ۱۰۳). پس از توافق برجام در سال ۲۰۱۵، چین روابط خود با ایران را گسترش داده و تعمیق نمود. در سال ۲۰۱۶، شی جین پینگ به عنوان دومین رهبر عضو شورای امنیت سازمان ملل، پس از پوتین، و برای اولین بار پس از سال ۲۰۰۲ به ایران سفر کرد. چین همچنین موافقت خود را نسبت به پیشنهاد ایران مبنی بر عضویت دائم در سازمان چین-محور همکاری‌های شانگهای پذیرفت (Will and Taylor, 2021: 6). در مارس ۲۰۲۱ (فروردین ۱۴۰۰)، ایران و چین برنامه راهبردی ۲۵ ساله را نهایی کردند، که البته بخش اعظم مفاد آن تا کنون اعلام نشده است. هر چند ایران این توافق را "نقشه راه کامل" برای روابط آتی خواند، چین تأکید کرد که این توافق صرفاً "چارچوب کلی روابط ایران و چین" است. اینکه این توافق به فاصله کوتاهی پس از دیدار سران چین و آمریکا در مارس ۲۰۲۱ در آلاسکا بود بیانگر این است که پکن بیشتر از اینکه علاقه مند به جزئیات توافق باشد، در پی ارسال سیگنالی به واشنگتن بود تا نشان دهد ظرفیت و توانایی همکاری با دشمنان آمریکا را دارد تا نفوذ این کشور را در منطقه غرب آسیا کاهش دهد (Will and Taylor, 2021: 6). در برنامه جامع همکاری ۲۵ ساله، چین متعهد شد که سرمایه گذاری در ایران را تا ۴۰۰ میلیارد دلار در بخش‌هایی نظیر حمل و نقل، بنادر و ارتباطات در قبال نفت ارزان قیمت‌تر افزایش دهد. در دیدار سال ۲۰۱۶ شی جین پینگ از تهران، وی هدف پکن برای افزایش تجارت دوجانبه را تا ۶۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۶ اعلام نمود. هر چند تجارت و سرمایه گذاری چین در ایران در طول این سال‌ها افزایش یافته است، اما همچنان بسیار پایین تر از اهداف مطروحه حرکت می کند (Will and Taylor, 2021: 9).

با خروج آمریکا از برجام، روابط ایران با این کشور وارد رویکرد تقابلی تری شد. در همین زمان، دولت ترامپ، برای اولین بار در استراتژی امنیت ملی خود، چین را نیز به عنوان چالش معرفی نموده و از این جهت روابط سه‌گانه ایران، چین و آمریکا دستخوش تغییرات جدی گردید. با معرفی چین به عنوان قدرت تجدیدنظرطلب و هژمون‌گرایی که خیزشش تهدیدی برای قدرت آمریکا به شمار می‌آید، استراتژی آمریکا بر پایه مهار این کشور بنا شد و جنگ تجاری و راهبرد رقابتی در عرصه‌های گوناگون به اصلی‌ترین رویکرد آمریکا در مقابل چین بدل شد (شریعتی نیا، ۱۳۹۹: ۱۰۴). اما در همین دوره، با وجود نقش پررنگ چین در خرید نفت ایران و دور زدن تحریم‌ها، مبادلات تجاری ایران با این کشور کاهش یافت. چرا که شرکت‌های چینی همکاری خود با ایران را کم یا قطع کردند و تبادلات مالی دچار چالش‌های فراوانی شد. به طور کلی، پس از خروج آمریکا از برجام، با وجود توسعه بیشتر روابط سیاسی و امنیتی ایران و چین، مبادلات اقتصادی که بر پایه فعالیت شرکت‌های چینی بودند، رو به کاهش گذاشت (شریعتی نیا، ۱۳۹۹: ۱۰۶). کمپین فشار حداکثری بر ایران و تحریم‌های آمریکا بر منافع چین در ایران تأثیر بسزایی داشته و باعث شد شرکت‌های برجسته فناوری چینی دست از فعالیت در ایران بکشند. در سال ۲۰۱۹ شرکت هوآوی فعالیت ۲۵۰ نیروی خود در این را خاتمه داد، و علاوه بر آن در سال ۲۰۱۸ توسط آمریکا به دلیل نقض قوانین تحریمی علیه ایران جریمه شد. شرکت لنوو هم در همین راستا در سال ۲۰۱۹ توزیع کنندگان خود را از فروش خدمات و کالا در بازارهای ایران منع کرد (Will and Taylor, 2021: 12).

² . a general framework for China-Iran cooperation

نکته‌ای که در مثلث ایران-امریکا-چین حائز اهمیت است این است که رویکرد کلی چین نسبت به آینده روابط با امریکا و با توجه به دوراندیشی آن‌ها نشان‌دهنده احساس خطر بیشتر از شدت گرفتن رقابت است. ضمن اینکه چین از تجربه جنگ روسیه با اوکراین و تحریم‌های شدید امریکا و اروپا علیه روس‌ها درس گرفته و می‌داند که در وضعیت فعلی، تحریم می‌تواند ضربه اساسی به اقتصاد این کشور وارد کند. از طرفی چین سرمایه‌گذاری بسیاری در شرکت‌های امریکایی دارد و هر ساله سرمایه قابل توجهی از چین خارج می‌شود. با توجه به پیش‌بینی‌ای که مقامات چینی از آینده روابط با امریکا دارند، در پی کاهش سرمایه‌گذاری در این کشور و تدابیر پیشدستانه، و بنابراین به دنبال جایگزین‌هایی برای سرمایه‌گذاری هستند.^۳

در مجموع باید گفت که رقابت این دو قدرت فرصت‌هایی پیش روی ایران قرار داده است از جمله: خروج سرمایه چین از امریکا و ظرفیت ایران برای پذیرش سرمایه؛ طرح کمربنده و جاده و نقش مهم ایران در کریدور آسیای مرکزی-آسیای شرقی؛ برگزاری رزمایش و مانور نظامی مشترک با چین و همکاری در انتقال فناوری‌های نظامی. از سویی این فضای رقابتی می‌تواند باعث بروز برخی تهدیدها و چالش‌ها نیز بشود: محدودیت چین در خرید مستقیم نفت ایران به دلیل تحریم‌های امریکا و عدم تمایل چین به درگیری با امریکا بر سر ایران؛ تبدیل شدن غرب آسیا به محل درگیری چین و امریکا، به طوری که در منطقه دوقطبی ایجاد شده و هر یک از متحدین طرف مقابل به عنوان اهرم فشار استفاده کند؛ عدم تمایل حقیقی چین به برخورداری ایران از قدرت هسته‌ای و احتمال حمایت مالی-فناوری از رقبای ایران در صورت افزایش رقابت هسته‌ای، و در کل تلاش چین برای حفظ توازن منطقه‌ای و جلوگیری از قدرت‌یابی ایران؛ و وابستگی بیش از حد ایران به چین و استفاده از این وابستگی توسط چین به عنوان اهرم فشار.

۷- قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران؛ قوت‌ها و ضعف‌ها

همان‌طور که گفته شد، قدرت هوشمند آمیزه‌ای از مولفه‌های سخت و نرم قدرت است؛ بنابراین برای بررسی قدرت هوشمند ایران، لازم است مولفه‌های گوناگون آن را ارزیابی کرده تا به نقاط ضعف و قوت هر یک دست یافته و بر آن اساس بتوانیم ماتریس سوات را در نهایت تکمیل کنیم. ابتدا به مولفه‌های قدرت نرم می‌پردازیم که شامل موارد ذیل است:

۷-۱- **مولفه فرهنگ:** فرهنگ ایرانی با تاریخمندی و غنایی که داراست، از فرهنگ‌هایی بوده که در تبادل با سایر فرهنگ‌ها همواره در روند آموزش و آموختن بوده است (نوروزی و تاج‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۱۷). از همین رو امتزاج فرهنگ ایرانی و آموزه‌های اسلامی بر غنای فرهنگی ملت ایران افزوده و پویایی بدان تزریق کرده است. در واقع فرهنگ اسلامی گفتمان‌ساز و فعال، یکی از عوامل زمینه‌ساز یکپارچگی و هویت مستحکم در ایران به شمار می‌آید (خرمشاد و متقی، ۱۳۹۵: ۳۰). با وجود غنایی که ذکر شد، این قدرت و ظرفیت بالقوه در بسیاری از زمینه‌ها نتوانسته عملیاتی شود. به مرور و با گذشت حدود ۵ دهه از انقلاب اسلامی، و تحت فشار رسانه‌ها و تصویرسازی‌ها و سیاه‌نمایی‌ها و البته در کنار بحران‌های اقتصادی و اجتماعی موجود در کشور، جذابیت این فرهنگ پرمایه به‌ویژه نزد نسل‌های جوان کاهش یافته و جایگزین‌های الگویی بسیاری در رسانه‌ها به آن‌ها معرفی شده است.

۷-۲- **دیپلماسی عمومی:** دیپلماسی عمومی به انگاره‌سازی و ارزش‌سازی نسبت به مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های مطلوب کشور و رساندن پیام‌های مورد نظر در سطح جهان توجه نموده و مسئولیت توجیه افکار عمومی را در عرصه سیاست خارجی بر عهده دارد

^۳. قلعه‌نویی، مصاحبه شخصی، ۱۴۰۱/۶/۲

(نوروزی و تاج آبادی، ۱۳۹۵: ۱۲۱). جمهوری اسلامی ایران زمانی می‌تواند بر افکار عمومی تسلط یابد که قادر به گفتمان‌سازی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. این امر، مستلزم عدم اتکای مستقیم بر قدرت سخت است، در واقع برای ایجاد نفوذ و تاثیر بیشتر در اذهان عموم، باید از محدودیت‌های قدرت سخت‌رهای یافته و توجه خود را معطوف به حوزه فرهنگ کند (موسوی جشنی، ۱۳۹۳: ۱۷۱).

دیپلماسی رسانه‌ای دیگر ابزاری است که برای دستیابی به قدرت نرم حائز اهمیت است و در دنیای امروز بیش از هر مولفه دیگری، دارای گستردگی و عمق تاثیرگذاری است. جمهوری اسلامی ایران باید ابتدا نا تصویر منفی ایجاد شده از خود در منطقه را اصلاح نموده و احساس تهدیدی که همسایگان ایران، به ویژه در حاشیه خلیج فارس دارند، کاهش دهد. علاوه بر این، همراهی افکار عمومی ملل مسلمان منطقه با ایده منطقه‌گرایی درون‌زا نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است و تنها از راه دیپلماسی محقق می‌شود. این فرایند در درازمدت تاثیرگذار بوده و سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت می‌طلبد (اکبری، ۱۴۰۰: ۲۹).

۳-۷- ظرفیت علمی: تعاملات فناوری و علمی، ضمن ارتباط مستقیم با حوزه فرهنگ و قدرت نرم، نقش غیرقابل انکاری در حوزه های نظامی و اقتصادی دارند و هر کشوری بر اساس نیازهای خود به حوزه‌ای از فناوری بیش از سایر حوزه‌ها نیاز دارد؛ برای مثال با توجه به نفت‌خیز بودن ایران، بهره‌مندی از فناوری‌های نسل اول در زمینه اکتشاف و استخراج نفت از اولویت راهبردی برخوردار است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۵). هر چند جمهوری اسلامی ایران ظرفیت‌های علمی بالا و پیشرفت‌هایی که در تولید علم در سال‌های اخیر داشته، از جمله جایگاه ۱۵ در سال ۲۰۲۱ در نظام رتبه بندی SCImago که یکی از جامع‌ترین نظام‌های رتبه‌بندی پژوهشی دانشگاه‌هاست و از شاخص‌هایی نظیر H-Index (نسبت تعداد مقالات و استنادات)، تعداد کل مدارک در سال مورد نظر و تعداد استنادها به ازای هر مدرک در دوره دوساله، استفاده نموده و کشورها را رتبه بندی می‌کند؛ و کسب رتبه دوم منطقه پس از ترکیه (SCImago Institution Raning)، هنوز نتوانسته در حد مطلوبی از این ظرفیت‌ها در راستای تولیدات بیشتر علمی، پیشرفت صنایع، اشتغال‌زایی و تبادل دانشجو و ارتقای سهم خود از تولیدات جهان که اکنون حدود یک درصد است استفاده کرده و آن‌ها را ارتقا ببخشد.

۴-۷- توریسم و گردشگری: ایران کشوری با جاذبه‌های توریستی قابل توجهی است؛ از مکان‌های تاریخی گرفته تا مناظر طبیعی. طبق آمار بانک جهانی، در سال ۲۰۲۰، ایران ۱.۵۵۰.۰۰۰ میلیون دلار از جذب توریست درآمد کسب کرده است. با این رقم، ایران جایگاه ۷۹ در میان کشورهای جهان در شاخص درآمد از طریق گردشگر را داشته است. در این سال، کشورهای منطقه مانند ترکیه، عربستان، مراکش، امارات، و حتی لبنان، سوریه و اسرائیل نیز جایگاه بهتری نسبت به ایران داشته اند (data.worldbank.org). با توجه به آمار بانک جهانی، ایران در سال‌های اخیر رتبه چندان مناسبی در زمینه جذب گردشگر نداشته است. صرف نظر از دو سال اخیر که همه‌گیری کرونا آمار ورود گردشگران به بسیاری از کشورها را با کاهش شدیدی مواجه کرد، ایران در میان کشورهای جهان رتبه مناسبی در بحث درآمد از صنعت توریسم را به خود اختصاص نداده است. هر چند در فاصله ی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ درآمد ایران حاصل از توریسم از ۴۸۶۷۰۰۰ میلیون دلار به ۹۱۰۷۰۰۰ میلیون دلار افزایش یافت، اما در سال‌های قبل و بعد از آن نسبت به کشورهای منطقه مانند تونس، بحرین، مصر، امارات و عربستان در رتبه پایین تری قرار دارد (worldbank.org).

۵-۷- **مذهب، زبان و قومیت:** با توجه به جمعیت مسلمان به ویژه در منطقه غرب آسیا، هویت دینی و اسلامی، از نقاط اشتراکی است که ملت‌های منطقه و حتی فراتر از آن در سطح جهان را به هم متصل می‌کند. علاوه بر دین و مذهب، زبان فارسی نیز از مولفه‌های هویت‌سازی است که نفوذ آن فراتر از فلات ایران است (هرسیچ و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۷). البته باید توجه داشت جریان ضد ایرانی موجود در سطح بین‌الملل که در برهه‌هایی شدت یافته و گاهی کاهش می‌یابد، تاثیر مستقیمی بر تنزل یا ارتقاء محبوبیت زبان فارسی در میان سایر ملل و گرایش غیرفارسی‌زبانان به یادگیری آن دارد. جهانی شدن نیز در راستای یکپارچه‌سازی تمام ملل و ایجاد زبانی مشترک میان همه کشورها، کاربرد زبان فارسی را نه تنها در سطح جهانی بلکه در داخل کشور نیز با چالش‌هایی مواجه کرده است (فوزی و نعیمی برجلویی، ۱۳۹۵: ۱۲).

۶-۷- **مولفه ژئوپلیتیکی:** مولفه‌های گوناگون قدرت سخت بخش مهمی از شاکله‌ی قدرت هوشمند هستند. اولین مولفه مد نظر، ژئوپلیتیک است. جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی خود، خواه ناخواه در بسیاری معادلات و بعضاً منازعات بین‌المللی و منطقه‌ای نقش حساسی دارا بوده است. ایران علاوه بر واقع شدن در محل تلاقی سه قاره اروپا، آسیا، و افریقا، نزدیک‌ترین گذرگاه کشورهای آسیای مرکزی به بازارهای جهانی می‌باشد. ژئوپلیتیک شامل ابعاد دیگری از جمله وسعت سرزمینی میشود که هم میتواند کثرت نیروی انسانی را در بر بگیرد و هم عمق استراتژیک لازم برای مواقع خطر را دارا باشد.

۷-۷- **مولفه اقتصادی:** قدرت و امنیت هر کشور، بیش از هر چیز وابسته به جایگاه اقتصادی و قدرت تولید ثروت در جهان است. چرا که قدرت اقتصادی به طور بالقوه، قابلیت تبدیل به مولفه‌های سخت و نرم قدرت را داراست. از منظر ژئواکونومیک، ایران دارای مزیت‌های بسیاری است که زیرساخت‌های حمل و نقلی مانند ریل شمال به جنوب و غرب به شرق می‌تواند این مزیت را بسیار کارآمدتر نیز بنماید (نوروزی و تاج آبادی، ۱۳۹۵: ۴۸). البته باید توجه داشت در حالی که در بسیاری از کشورها از تکنولوژی نسل پنجم برای استخراج نفت و گاز استفاده می‌شود، ایران همچنان از نسل دوم فناوری برخوردار است و این، مزیت نسبی ایران را در رقابت با سایر تولیدکنندگان پر قدرت منطقه مانند عربستان و روسیه، کاهش می‌دهد. مسئله شایان ذکر دیگر این است که امروزه کشورها به استفاده از انرژی‌های پاک نظیر انرژی خورشیدی روی آورده‌اند؛ به طوری که پیش‌بینی می‌شود تا چند دهه آینده، انرژی‌های پاک جایگزین سوخت‌های فسیلی شود و بر همین اساس کشورهایی که از هم‌اکنون در این حوزه سرمایه‌گذاری کرده‌اند، در سال‌های آتی از آن بهره‌برداری خواهند نمود. برای مثال عربستان سعودی پروژه ساخت بزرگترین نیروگاه خورشیدی جهان را در دست اقدام دارد^۴.

ساختار اقتصادی ایران با وجود برخورداری از پتانسیل‌هایی که اشاره شد، از عدم پویایی و عدم انعطاف‌پذیری رنج می‌برد. جمهوری اسلامی ایران در برهه کنونی باید ضرورت‌ها و نیازهای ناشی از افزایش جمعیت، کمبود سرمایه مالی و فنی را به درستی درک نموده و از دیپلماسی اقتصادی به عنوان پلی میان سیاست داخلی و خارجی استفاده کند. در واقع دیپلماسی اقتصادی سرمایه بین‌المللی را به حوزه داخلی متصل نموده و مسیر را برای برآوردن نیازهای داخلی فراهم می‌آورد (ارغوانی پیرسلامی و اسماعیلی، ۱۳۹۸: ۸۰).

۴. میرکوشش، مصاحبه شخصی، ۱۴۰۱/۵/۲۰

در بحث از شاخص‌های اقتصادی، تراز تجاری و صادرات نیز باید در نظر گرفته شود. بر اساس امار صندوق بین‌المللی پول، تراز تجاری ایران از ۳۵۹۱۲ در سال ۲۰۱۵ به ۱۴۷۸۶ در سال ۲۰۲۰ کاهش یافته است (data.imf.org). افزایش واردات در مقابل کاهش صادرات به ویژه در روابط اقتصادی ایران و کشورهای خلیج فارس نشانگر ضعف ایران در ایجاد روابط اقتصادی دو سویه و خلا دیپلماسی اقتصادی است. مهم‌ترین ضعف جمهوری اسلامی ایران در ارتباطات تجاری با همسایگان، عدم وجود تنوع در کالاهای صادراتی بوده است (ارغوانی پیرسلامی و اسماعیلی، ۱۳۹۸: ۸۳). با اینکه حجم اقتصاد ایران از بسیاری از کشورهای منطقه بالاتر بوده، در سال‌های اخیر و با فشار تحریم‌ها، کشورهایمانند ترکیه و امارات در منطقه و مالزی و تایلند، پیشرفت بسیاری داشته‌اند. نکته مهم دیگر این است که بسیاری از صادرات این کشورها غیرنفتی است. برای مثال صادرات ۲۰۷ میلیارد دلاری ترکیه غیرنفتی است. اما عمده اتکای صادرات ایران بر نفت است، در حالی که کمترین سود در خام‌فروشی است (حاتمی، ۱۴۰۱، تجارت نیوز).

۸-۷- مولفه نظامی-امنیتی: بر اساس رتبه‌بندی سالانه سایت globalfirepower.com که با در نظر گرفتن ۵۰ مولفه مجزا و بررسی تعداد نیروی نظامی، تجهیزات و ادوات جنگی، سرمایه و بودجه نظامی، قابلیت‌های لجیستیک، منابع طبیعی و جغرافیای هر کشور، به شاخص قدرت^۵ برای هر کشور رسیده است، در سال ۲۰۲۲، ایالات متحده آمریکا در جایگاه اول قدرتمندترین کشورهای از منظر نیروی نظامی قرار دارد. پس از آن روسیه، و چین در جایگاه دوم و سوم هستند. در این رتبه‌بندی ایران جایگاه ۱۴ جهان را داراست که بعد از مصر و ترکیه، سومین قدرت غرب آسیا به شمار می‌آید (Globalfirepower.com). بر اساس امار بانک جهانی، بودجه نظامی ایران از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ روند نزولی داشته است. اما از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ با اندکی افزایش، ۲.۲ درصد از تولید ناخالص داخلی صرف امور نظامی شده است (data.worldbank.org).

طی ده سال گذشته، ایران موجودی پهپادها، موشک‌های کروز و موشک‌های بالستیک خود را به‌طور انبوه افزایش داده است تا جایی که عملاً به قدرت برتری نسبت به همسایگان خود دست یافته است. هواپیماهای بدون سرنشین می‌توانند برای از بین بردن سیستم‌های رادار دشمن قبل از حمله موشک‌های بالستیک، پرتاب شوند. در حال حاضر، ایالات متحده و شرکای منطقه‌ای آن از توانایی خود برای دفاع موثر در برابر هواپیماهای بدون سرنشین عقب مانده‌اند. به اذعان موسسه «واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک»، در حال حاضر هیچ راه مشخصی برای کاهش تهدید پهپادهای ایران (برای دشمنانش) وجود ندارد. صنایع دولتی در وزارت دفاع و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که این پهپادها را طراحی و تولید می‌کنند، بسیار بالغ و متنوع هستند. می‌توانند از محققان دانشگاه‌ها و نهادهای خصوصی در زمینه تحقیق توسعه و همچنین تدارکات استفاده کنند (McKenzie Jr. et al, 2023).

ایران بیش از یک میلیون نظامی فعال دارد که بعد از ترکیه و مصر با اختلاف از سایرین پیش است. هر چند این جمعیت بالای نظامی در دفاع سرزمینی در صورت بروز تهاجم مزیتی حیاتی به شمار می‌آید، لکن باید توجه داشت که بیشتر این نظامیان از تجهیزات کافی برخوردار نبوده و آموزش‌های تخصصی ندیده‌اند و لذا در نبردهای مدرن که شدیداً متکی بر فناوری‌های پیشرفته است، کمتر از آنچه روی کاغذ دیده می‌شود می‌توانند کارایی داشته باشند. از طرفی، ایران به دلیل تحریم‌ها، نتوانسته از فناوری‌های پیشرفته نظامی که کشورهای منطقه مانند ترکیه، اسرائیل یا عربستان از ایالات متحده یا اروپا خریداری کرده‌اند بهره‌برداری کند. البته این محدودیت‌ها باعث

⁵ . PwrIndex: Power Index

شده است که ایران تلاش بسیاری را معطوف به خودکفایی و توسعه صنایع نظامی بومی خود کند و در این راه موفقیت‌های زیادی را نیز کسب کرده است.

استراتژی‌های مناسب ایران در بهره‌گیری از رقابت چین و آمریکا

باید توجه داشت که برای استخراج استراتژی‌ها، لازم است به سه نکته مهم توجه داشته باشیم. اول اینکه موضع چین نسبت به آمریکا موضع تخاصمی و دشمنی نیست. اساس رابطه این دو، رابطه‌ی همکاری-رقابت^۶ است. موضوع دوم، نگاه آمریکا به چین است. در این مورد هم باید گفت هر چند آمریکا چین را در قامت رقیبی استراتژیک می‌بیند که باید آن را مهار کند، لکن آن را به عنوان دشمن ندیده و بر اساس وابستگی متقابل، راویط خود با این کشور را حفظ می‌کند. و مسئله سوم این است که ایران از چه منابعی برخوردار است و کدام مزایای نسبی می‌تواند منافع ایران را به بهترین شکل تامین کرده و آسیب‌پذیری آن را کاهش دهد. علاوه بر این‌ها، استراتژی‌های بیان شده باید دارای دو ویژگی باشند. اول این که این استراتژی‌ها که عمدتاً متوجه روابط ایران با چین و بهره‌مندی از فرصت‌های این کشور برای ایران است، باعث تشدید تنش میان ایران و غرب نشود. در واقع منطبق موازنه‌گری ایجاب می‌کند که ایران در تعامل با هر دو و تعادل میان این دو باشد. ویژگی دوم نیز، که پیش‌تر نیز به آن پرداخته شد، این است که اساس راهبردهای ایران و روابط دو یا چند جانبه‌اش، اتکا به نقاط قوت و منابع قدرتی که در اختیار دارد باشد و این تعاملات را در فضای درهم‌تنیدگی و وابستگی متقابل به پیش ببرد.^۷

نکته مهم در ذیل تمامی این تعاملات این است که ایران نباید اجازه وابستگی اقتصادی-امنیتی-نظامی خود به چین را بدهد. از جمله راهکارهای جلوگیری از این امر، همانطور که پیش‌تر هم اشاره شد، ایجاد تنوع در محصولات تولیدی است. علاوه بر این، چین نباید «تنها» شریک تجاری ایران، بلکه «یکی» از این شرکا باشد.^۸ گسترش روابط با کشورهای دیگری که در نگاه چین و آمریکا از حساسیت کمتری برخوردار هستند مثل ژاپن، کره جنوبی کشورهای مهم منطقه جنوب شرقی آسیا مثل اندونزی، مالزی، تایلند و ویتنام باید در اولویت تعاملات سیاسی-اقتصادی ایران قرار گیرد.^۹ آنچه در روابط ایران و چین مهم است، ظرفیت‌سازی ایران برای جذب سرمایه چینی است. یکی از این ظرفیت‌ها، دادن اطلاع کافی از پتانسیل‌ها، نیازها و حتی علاقه‌مندی‌های ایران به چین بوده است. این مسئله عزم دو طرف برای پردازش ایده و برنامه‌ریزی برای آن را افزایش می‌دهد. علاوه بر این‌ها، لازم است جمهوری اسلامی روند پذیرش سرمایه خارجی را تسهیل کرده و مراحل بوروکراسی آن را کوتاه نماید تا عاملی برای تشویق سرمایه‌گذاران خارجی از جمله چینی شود. ضمناً هر صاحب سرمایه‌ای برای سرمایه‌گذاری نیاز به امنیت-مالی، روانی، اجتماعی- دارد. آرامش فضای داخلی کشور از جمله پیش‌شرط‌های افزایش همکاری‌هاست. حمایت از سرمایه خارجی و دادن ضمانت نسبت به حفظ امنیت سرمایه و عدم وجود ریسک کلاهبرداری نیز باعث اطمینان خاطر سرمایه‌داران جهت انتقال سرمایه به ایران می‌شود.^{۱۰}

۶. co-competition

۷. کیوان حسینی، مصاحبه شخصی، ۱۴۰۱/۵/۲۶

۸. قلعه نویی، مصاحبه شخصی، ۱۴۰۱/۶/۲

۹. سازمند، مصاحبه شخصی، ۱۴۰۱/۵/۲۵

۱۰. قلعه نویی، مصاحبه شخصی، ۱۴۰۱/۶/۲

نقاط قوت

S: Strengths

نقاط ضعف

W: Weaknesses

- ❖ هویت غنی و تاریخمند ایرانی که میراثدار تمدن ایرانی و نمود ملتی صلح طلب است و پتانسیل بسیاری برای همراه کردن سایر ملل، به ویژه مللی که دارای ریشه های مشترک زبانی و فرهنگی با ایران هستند دارد؛
- ❖ فرهنگ اسلامی که الهام بخش صداقت، شجاعت و برانگیزاننده روحیه عدالت خواهی و ظلم ستیزی است؛
- ❖ گفتمان سازی مقاومت در منطقه؛
- ❖ تلاش برای اقناع مخاطبان بین المللی از طریق محتواسازی در شبکه های برون مرزی؛
- ❖ سرعت بالای تولیدات علمی؛
- ❖ بهره مندی از جاذبه های گردشگری و طبیعی؛
- ❖ ظرفیت های زبان فارسی در تعامل با ملل فارسی زبان؛
- ❖ فعالیت های انجمن های دوستی و سایر سمن ها در ایجاد همگرایی بین ملت ها؛
- ❖ ضعف در غلبه بر نگاه ایدئولوژیک سایر ملت ها به سیاست خارجی ایران و ایماژسازی های منفی در رسانه های بین المللی
- ❖ محدودیت در جذب گردشگر به دلیل فضا سازی منفی علیه ایران؛
- ❖ تاکید عمده بر قدرت نظامی که موجب دامن زدن به تصویر سازی های منفی از رفتار خارجی جمهوری اسلامی شده است؛
- ❖ ضعف در تولید محتوای فرهنگی در داخل و الگوسازی مطلوب برای قشر جوان چه در داخل و چه خارج از کشور؛
- ❖ عدم توجه به دیپلماسی اقتصادی و گره زدن تعاملات اقتصادی به روابط سیاسی؛
- ❖ عدم تدوین راهبردهای مناسب جهت جذب دانشجوی بین المللی و تبادل بین دانشگاهی؛
- ❖ افزایش نارضایتی عمومی از سیاست های کشور به ویژه ناشی از فشار های اقتصادی؛
- ❖ عدم بهره مندی از فناوری های نسل اول در استخراج نفت؛

ماتریس راهبردهای متناسب با تحلیل محیط درونی و بیرونی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای قدرت هوشمند در فضای رقابت چین و امریکا

- ❖ مزیت ژئوپلیتیکی نظیر بهره مندی از نفت و گاز، عمق استراتژیک، جمعیت جوان، دسترسی به آب های آزاد، بهره مندی از تنگه استراتژیک هرمز؛
- ❖ توسعه صنعت نظامی بومی از قبیل پهپاد و موشک؛
- ❖ تعداد نسبتا بالای نیروی نظامی؛
- ❖ خام فروشی نفت به عنوان اصلی ترین ماده صادراتی و عدم توجه به متنوع سازی تولیدات و سبد صادراتی کالا؛
- ❖ ضعف در سامانه های پدافندی به ویژه در نیروی هوایی؛
- ❖ قدیمی بودن ادوات نظامی و عدم بهره مندی از جنگ افزارهای مدرن؛
- ❖ طولانی بودن نسبی مسیر گذیرش سرمایه خارجی و مراحل متعدد بوروکراسی

فرصت ها

راهبردهای تهاجمی

راهبردهای محافظه کارانه

O: Opportunities

SO

WO

- ❖ نیاز چین به منابع انرژی و معدنی ایران؛ نفت، گاز، ذغال سنگ، آهن، کروم، فولاد، آلومینیوم؛
- ❖ امضای قراردادهای تولید دارو؛ اعم از رادیو دارو، داروهای سرطان و واکسن، و همچنین داروهای گیاهی با چین؛
- ❖ تبادل فرهنگ با توجه به قرابت فرهنگی در آموزه های اسلام و کنفوسیوس؛
- ❖ خروج سرمایه چین از امریکا و ظرفیت ایران برای پذیرش سرمایه؛
- ❖ ایجاد مراکز آموزش زبان فارسی در چین و زبان چینی در ایران و تلاش جهت همگرایی بیشتر دو ملت؛
- ❖ آمادگی همکاری های دانش بنیان با چین، تولید رادیو دارو، دارو های شیمیایی، داروهای گیاهی، کیت تشخیصی؛
- ❖ استفاده از سرمایه و فناوری نوین چین جهت اکتشاف و استخراج نفت؛
- ❖ عضویت فعال در سازمان های بین المللی بویژه پس از احیای برجام و تلاش برای استفاده از ظرفیت های بین المللی و تسهیل در تبادلات تجاری-مالی و نیز در بحث جذب سرمایه و گردشگر؛
- ❖ برگزاری رزمایش های نظامی مشترک با چین جهت آموزش استفاده از فناوری های نوین نظامی به نظامیان ایران؛

- ❖ طرح کمربنده و جاده و نقش مهم ایران در کریدور آسیای مرکزی-آسیای شرقی؛
- ❖ تسهیل ورود گردشگران و برقراری روابط متقابل گردشگری؛
- ❖ برگزاری رزمایش و مانور نظامی مشترک با چین و همکاری در انتقال فناوری های نظامی؛
- ❖ استفاده از ظرفیت کشاورزی ایران و نیاز مبرم و روزافزون چین به گندم، برای توسعه کشت گندم و توجه به ایده کشت فراسرزمینی؛
- ❖ پذیرش ایران در سازمان همکاری شانگهای به عنوان سازمانی با پتانسیل های اقتصادی و امنیتی؛
- ❖ تسهیل ورود گردشگری با تسهیل ورود گردشگر به ایران؛ و سرمایه گذاری چین در ساخت هتل و جاذبه های گردشگری؛
- ❖ ایجاد مرکزی در وزارت خارجه برای برنامه ریزی و پیگیری امور مربوط به دیپلماسی رسانه ای؛
- ❖ استفاده از سرمایه گذاری چینی ها در صنعت گردشگری از جمله احداث هتل؛
- ❖ توسعه صنعت حمل و نقل ایران به دلیل طرح کمربند و جاده و همچنین صادرات کالای چینی از رهگذر ایران به اروپا که باعث پویایی و جب سرمایه در صنعت ریل و قطار و همچنین هوایمایی ایران می شود؛

- ❖ افزایش تولید و صادرات محصولات دریایی نظیر میگو و کشاورزی مانند گندم؛
- ❖ استفاده از چین در زمینه گسترش نسل پنجم اینترنت؛

تهدیدها	راهبردهای رقابتی	راهبردهای تدافعی
T: Threats	ST	WT
❖ محدودیت چین در خرید مستقیم نفت ایران به دلیل تحریم های امریکا و عدم تمایل چین به درگیری با امریکا بر سر ایران؛	❖ ایجاد سرمایه گذاری مشترک با چین و سایر کشورها برای جلوگیری از وابستگی اقتصادی و امنیتی	❖ متنوع کردن سبد تولید کالا و صادرات با هدف کاهش آسیب پذیری از تحریم های نفتی و وابستگی صرف به درآمد حاصل از فروش نفت
❖ وابستگی بیش از حد ایران به چین و استفاده از این وابستگی توسط چین به عنوان اهرم فشار؛	❖ اشتغال زایی از طریق احداث صنایع و پروژه های اقتصادی مشترک با چین که منجر به بهبود اوضاع اقتصادی و کاهش نارضایتی داخلی	❖ برقراری روابط تجاری مناسب با سایر کشورها هم در آسیا و هم در اروپا در کنار چین، برای جلوگیری از وابستگی به یک کشور
❖ جایگزینی امریکا با چین در منطقه به عنوان قدرت برون منطقه ای و مانعی برای منطقه گرایی درونزا؛	❖ توسعه صنعت هسته ای و ادامه دادن به پژوهش در این زمینه به طور مستقل و بدون جلب توجه بین المللی به منظور جلوگیری از کارشکنی های احتمالی؛	❖ استفاده همزمان از فناوری های ارتباطی چینی و اروپایی و امریکایی، و در عین حال تلاش برای کاهش وابستگی در محصولات تکنولوژی ارتباطی؛
	❖ پیگیری مسائل مربوط به حقوق بشر در راپزنی های دیپلماتیک؛ علی الخصوص در موارد مربوط به مسلمانان،	❖ ذی نفع سازی بازیگران منطقه ای و همکاری چندجانبه با آنها در کنار چین به شکلی چه ایران با ایجاد پیوندی مناسب با

- ❖ تبدیل شدن غرب آسیا به محل درگیری چین و امریکا، به طوری که در منطقه دوقطبی ایجاد شده و هر یک، از متحدین طرف مقابل به عنوان اهرم فشار استفاده کند؛
- ❖ وجود رقبای منطقه‌ای برای ایران که بدون محدودیت تحریم‌های امریکا می‌توانند با چین تبادلات مالی داشته باشند؛
- ❖ استفاده چین از تسلیحات و فناوری اسرائیل به عنوان اصلی‌ترین دشمن منطقه‌ای ایران؛
- ❖ همراهی چین با امریکا در اعمال تحریم‌های جدید در صورت بروز مشکل، به دلیل اینکه چین نمی‌خواهد مستقیماً با امریکا وارد تنش شود؛
- ❖ ایجاد مشکل برای مصرف‌کنندگان محصولات الکترونیکی چینی مانند هوآوی در ایران؛

آزادی برگزاری مناسک دینی، نام‌گذاری اسلامی به شکل آزادانه؛

همسایگان منطقه‌ای و تعامل با چین، باعث نفع‌رسانی چندجانبه شود؛

- ❖ برقراری روابط تجاری گسترده با همسایگان منطقه‌ای از طریق صادرات کالاهای متنوع غیرنفتی، به منظور جلوگیری از وابستگی اقتصادی منطقه به چین و داخل کردن یک قدرت خارجی در تعاملات درون منطقه‌ای؛

❖ عدم تمایل حقیقی چین به برخورداری
ایران از قدرت هسته ای و احتمال
حمایت مالی-فناوری از رقبای ایران در
صورت افزایش رقابت هسته ای، و در
کل تلاش چین برای حفظ توازن منطقه
ای و جلوگیری از قدرت یابی ایران؛

۸- نتیجه گیری

برای تدوین راهبردهای عملیاتی مناسب برای هر کشور، باید به جنبه‌های گوناگون شامل ابعاد داخلی و بین‌المللی توجه داشت. در موضوع جمهوری اسلامی ایران، تدوین این استراتژی‌ها هم ناظر به نقاط ضعف و قوت داخلی است، و هم فضای بین‌المللی که امروزه بیش از همه متأثر از رقابت قدرت‌های بزرگ از جمله چین و امریکاست. برای رسیدن به استراتژی‌های مناسب به کلی سازماندهی شده و منسجم، الگوی SWOT از کارایی لازم برخوردار می‌باشد. ابعاد گوناگون رقابت چین و امریکا، فرصت‌ها و تهدیداتی را پیش روی ایران قرار می‌دهد. رقابت اقتصادی از جهت کلان‌بودن و تاثیرگذاری بیشتر بر روابط تجاری سایر کشورها به نسبت سایر زمینه‌های رقابت، توجه بیشتری را به خود جلب نموده است. از آن جایی که قدرت اقتصادی تاثیر مستقیمی بر توسعه نظامی و افزایش نفوذ سیاسی و فرهنگی دارد، بُعد اقتصادی این رقابت از اهمیت و حساسیت بالاتری برخوردار است. اما در سایر زمینه‌ها از جمله نظامی نیز موضع‌گیری‌ها و صف‌آرایی‌هایی را شاهد بوده‌ایم؛ از جمله در موضوع تایوان، و توافقنامه‌های نظامی امریکا با همسایگان چین جهت محدود کردن قدرت عمل این کشور. علاوه بر آن، با بررسی فاکتورهای مختلف قدرت نرم و سخت که در مجموع قدرت هوشمند ایران را شکل می‌دهد، نکات ضعف و قوت را مشخص نموده و با استفاده از الگوی سوات (SWOT)، چهار مولفه ضعف‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها به چهار دسته استراتژی تهاجمی، محافظه‌کارانه، رقابتی و تدافعی منتهی شد. اهم راهبردهای تهاجمی شامل: توجه مضاعف به سیاست‌ها و راهبردهای بحری و همکاری با قدرت‌های دریایی؛ تبادلات فرهنگی با توجه به قرابت فرهنگی در آموزه‌های اسلام و کنفوسیوسی؛ و امضای قراردادهای تولید دارو؛ اعم از رادیو دارو، داروهای سرطان و واکسن، و همچنین داروهای گیاهی با چین. اهم راهبردهای محافظه‌کارانه شامل: استفاده از سرمایه و فناوری نوین چین جهت اکتشاف و استخراج نفت؛ عضویت فعال در سازمان‌های بین‌المللی و تلاش برای استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی و تسهیل در تبادلات تجاری-مالی و نیز در بحث جذب سرمایه و گردشگر؛ و برگزاری رزمایش‌های نظامی مشترک با چین جهت آموزش استفاده از فناوری‌های نوین نظامی به نظامیان ایران. اهم راهبردهای رقابتی شامل: ایجاد سرمایه‌گذاری مشترک با چین و سایر کشورها برای جلوگیری از وابستگی اقتصادی و امنیتی؛ اشتغال‌زایی از طریق احداث صنایع و پروژه‌های اقتصادی مشترک با چین که منجر به بهبود اوضاع اقتصادی و کاهش نارضایتی داخلی؛ و توسعه صنعت هسته‌ای و ادامه دادن به پژوهش در این زمینه به طور مستقل و بدون جلب توجه بین‌المللی به منظور جلوگیری از کارشکنی‌های احتمالی. و اهم راهبردهای تدافعی نیز شامل: متنوع کردن سبد تولید کالا و صادرات با هدف کاهش آسیب‌پذیری از تحریم‌های نفتی و وابستگی صرف به درآمد حاصل از فروش نفت؛ برقراری روابط تجاری مناسب با سایر کشورها هم در آسیا و هم در اروپا در کنار چین، برای جلوگیری از وابستگی به یک کشور؛ و استفاده همزمان از فناوری‌های ارتباطی چینی و اروپایی و امریکایی، و در عین حال تلاش برای کاهش وابستگی در محصولات تکنولوژی ارتباطی می‌باشد.

منابع

۱. آشنا، حسام‌الدین، (۱۳۹۰)، *درآمدی بر قدرت هوشمند، مطالعاتی برای جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز آینده پژوهی

علوم و فناوری دفاعی موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی

۲. اکبری، زهرا، (۱۴۰۰)، «نقش دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه گرایبی درونزا در غرب آسیا»، فصلنامه علوم خبری، سال دهم، شماره ۳۹
۳. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و اسمعیلی، محدثه، (۱۳۹۸)، «چالش‌ها و موانع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۹۷
۴. بشیر، حسن و میرفخرایی، محمدحسین، (۱۳۹۶)، «فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ا در پنج کشور عربی خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال دوازدهم، شماره ۳۳
۵. چگنی زاده، غلامعلی (۱۳۹۲)، «موازنه قوا و روابط راهبردی چین با ایالات متحده امریکا»، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره چهارم
۶. حاتمی، محمد مهدی (۱۴۰۱)، صادرات غیرنفتی ایران، یک چهارم ترکیه و یک هشتم امارات / چرا ایران «خام فروش» ماند؟، پایگاه خبری تجارت نیوز
قابل دسترسی در: <https://b2n.ir/g49220>
۷. حسن خانی، محمد و مسرور، محمد، (۱۳۹۶)، «ظهور چین: چالش‌های ایالات متحده امریکا در مواجهه با قدرت روزافزون چین در روابط بین الملل»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره اول، شماره ۲۴
۸. خرمشاد، محمدباقر و متقی، افشین، (۱۳۹۵)، «نقش انقلاب اسلامی در تقویت قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ششم، شماره پانزدهم
۹. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵)، اصول و مبانی روابط بین الملل (۲)، تهران: سمت
۱۰. سلیمی، حسین و رحمتی پور، لیلا، (۱۳۹۳)، «بررسی مقایسه‌ای استراتژی انرژی چین و ایالات متحده امریکا و تاثیر آن بر جایگاه خلیج فارس»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۱
۱۱. شرفخانی، مجید و حاجی مینه، رحمت و دهشیری، محمدرضا، (۱۴۰۱)، «راهبرد اقتصادی چین در رقابت هژمونیک با امریکا در غرب آسیا»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۱، شماره ۴۰، بهار ۱۴۰۱
۱۲. شریعتی نیا، محسن، (۱۳۹۹)، «روابط ایران و چین؛ گذار از مثلث رمانتیک به بیوند پایدار»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین المللی، دوره ۱۱، شماره ۳
۱۳. صالح نژاد، حسن، (۱۳۹۸)، «مفهوم قدرت هوشمند و نقش آن در سیاست جدید»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۶۶۸۴

۱۴. طباطبایی، سید محمد؛ قیاسی، امیر، (۱۳۹۲)، «راهبرد سیاسی و امنیتی ایالات متحده آمریکا در قبال چین (۲۰۰۸-۲۰۱۲)»، بر اساس تئوری موازنه نرم»، مطالعات سیاسی-اجتماعی جهان، دوره سوم، شماره ۲، صص ۲۶۹-۳۰۲
۱۵. فتاحی اردکانی، حسین و مسعود نیا، حسین و امام جمعه زاده، سید سجاد، (۱۳۹۷)، «تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم، هوشمند)»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قدرت نرم، سال هشتم، شماره هجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷
۱۶. فوزی، یحیی و نعیمی برچلویی، فرحناز، (۱۳۹۵)، «گسترش زبان فارسی و چالش های سیاسی فراروی آن»، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، گرجستان
۱۷. قربانی شیخ نشین، ارسلان و کرمی، کامران و عباس زاده، هادی، (۱۳۹۰)، «قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم
۱۸. معمارزاده، غلامرضا و کیاکجوری، کریم و رودگر نژاد، فروغ، (۱۳۹۰)، «تحلیل استراتژیک دانشگاه آزاد اسلامی به منظور ارائه استراتژی های مناسب»، مجله پژوهش های مدیریت، شماره ۸۸
۱۹. میرفخرایی، سیدحسن و فیروزمندی بندپی، مجید، (۱۳۹۵)، «دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصت ها و چالش ها»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، شماره ۲، پاییز وزمستان ۹۶
۲۰. نای، جوزف (۱۳۹۲)، *آینده قدرت*، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی
۲۱. نوروزی، امرالله و تاج آبادی، حسین (۱۳۹۵)، *جایگاه قدرت هوشمند در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران*، اردبیل: انتشارات نایاب

22. Carlsneas, W., Risse, T., and Simmons, B. A., (2013), *Handbook of International Relations, Chapter 11 (Power and International Relations by David A. Baldwin)*, London: Sage
23. Forough, M. B. (2021), "Iran between the US and China", *iRAM Center for Iranian Studies*.
24. Leverett, F. and Bader, J. (2005), "Managing China-US Energy Competition in the Middle East", *The Washington Quarterly*, 29(1), 187-201
25. Helms, M. M. (1999), "How to Be Successful in China: A SWOT Analysis", *Competitiveness Review*, 9(2)
26. Nye, J.S. Jr. and Armitage, R.L., (2007). *CSIS Commission on Smart Power. A Smarter, more Secure America*, Center for Strategic and International Studies, Washington
27. Rozsa, E. N. (2020), "Deciphering China in the Middle East", *European Union Institute for Security Studies*.

28. McKenzi Jr., K. and Spleeters, D. and Lincy, V., (2023), “Iran's Military Drone Program: Security Implications and Policy Responses”, *Washington Institute for Near East Policy*, policy analysis.
- Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/irans-military-drone-program-security-implications-and-policy-responses>
29. World Bank (2013), “China 2030: Building a Modern, Harmonious, and Creative Society”
30. World Bank, “International Tourism, number of arrivals - Iran, Islamic Rep”
- Available at:
<https://data.worldbank.org/indicator/ST.INT.ARVL?end=2020&locations=IR&start=1995&view=chart>
31. Worldbank.org
- Available at:
https://data.worldbank.org/indicator/ST.INT.ARVL?contextual=region&end=2020&locations=IR&most_recent_value_desc=true&start=1995&view=chart
32. Worlddata.info, Tourism in Iran
- Available at: <https://www.worlddata.info/asia/iran/tourism.php>
33. Worldbank.org, Military expenditure (% of GDP) - Iran, Islamic Rep.
- Available at:
https://data.worldbank.org/indicator/MS.MIL.XPND.GD.ZS?contextual=default&end=2020&locations=IR&most_recent_value_desc=true&start=2015
34. Zhao, M. (2019), “Is a New Cold War Inevitable? Chinese Perspectives on US–China Strategic Competition”, *The Chinese Journal of International Politics*, Volume 12, Issue 3, Autumn 2019, Pages 371–394, <https://doi.org/10.1093/cjip/poz010>
35. Zhonava; A. R., (2015), “Power in IR: Hard, Soft, and Smart Power”, *Institute for Cultural Diplomacy and the University of Bucharest*

ترجمہ انگلیسی منابع فارسی

1. Ashna, H., (2013), *An Introduction to Smart Power, Studies for the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Future Research Center for Defense Science and Technology, Defense Industries Educational and Research Institute
2. Akbari, Z; (1400), “The Role of Media Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in Endogenous Regionalism in West Asia”, *News Science Quarterly*, 10 (39).

3. Pirsalami Arghwani, F. and Ismaili, M., (2018), "Challenges and Obstacles of Economic Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in the West Asian Region", *Majlis and Strategy Quarterly*, 26 (97)
4. Bashir, H. and Mirfakharai, M. H., (2016), "Opportunities and Challenges of I.R.Iran Cultural Diplomacy in Five Arab Countries of the Persian Gulf", *Intercultural Studies Quarterly*, 12 (33)
5. Chegenizadeh, Gh. (2012), "Balance of Powers and Strategic Relations between China and the United States of America", *Foreign Relations Quarterly*, 5 (4)
6. Hatami, M. (1401), "Iran's Non-oil Exports, One-fourth of Turkey and One-eighth of the United Arab Emirates/ Why Iran Remained a "Crude Seller"?", *Tejarat News*, Available at: <https://b2n.ir/g49220>
7. Hassan Khani, M. and Masrouf, M., (2016), "The Rise of China: The Challenges of the United States of America in Facing China's Increasing Power in International Relations", *International Relations Research Quarterly*, 1 (24)
8. Khorramshad, M. b. and Motaghi, A., (2015), "The Role of the Islamic Revolution in Strengthening the Smart Power of the Islamic Republic of Iran", *bi-quarterly journal of Soft Power Studies*, 6 (15).
9. Dehghani Firouzabadi, S. J. (2015), *Principles and Foundations of International Relations* (2), Tehran: Samt
10. Salimi, H and Rahmatipour, L., (2014), "A Comparative Study of the Energy Strategy of China and the United States of America and its Impact on the Status of the Persian Gulf", *Strategic Policy Research Quarterly*, 3 (11)
11. Sharafkhani, M. and Haji Mina, R. and Dehshiri, M. R., (1401), "China's Economic Strategy in the Hegemonic Competition with America in West Asia", *Strategic Policy Research Quarterly*, 11 (40), Spring 1401
12. Shariatinia, M., (2019), "Iran-China relations; Transition from the Romantic Triangle to a Sustainable Relationship", *Political and International Approaches Quarterly*, 11 (3).
13. Salehnejad, H., (2018), "The Concept of Smart Power and its Role in New Politics", *Parliament Research Center*, No. 16684
14. Tabatabai, S. m.; Qiyasi, A., (2012), "Political and Security Strategy of the United States of America towards China (2012-2008), Based on the Theory of Soft Balance", *World Political-Social Studies*, 3 (2), pp. 269-302
15. Fatahi Ardakani, H. and Masoud Niya, H. and Imam Jumazadeh, S. S., (2017), "Analysis of the Concept of Power and its Constituent Sources from Joseph Nye's Point of View (hard, soft, smart)", *biannual scientific research journal of Soft Power Studies*, 8 (18)
16. Fawzi, Y. and Naimi Bercheloi, F., (2016), "The Spread of Persian Language and the Political Challenges Facing it", *The Third International Conference on Modern Researches in Management, Economics and Humanities*, Georgia

17. Ghorbani Sheikh Neshin, A. and Karmi, K. and Abbaszadeh, H., (2018), "Smart Power; the New Evolution of Power in the Globalization Era", *Foreign Relations Quarterly*, 3 (4)
18. Memarzadeh, Gh. and Kiakajuri, K. and Rodgarnejad, F., (2017), "Strategic Analysis of Islamic Azad University in Order to Provide Appropriate Strategies", *Journal of Management Research*, No. 88
19. Mirfakhrai, S. H. and Firouzmandi Bandpei, M., (2015), "Cultural Diplomacy of Iran in Central Asia and the Caucasus; Opportunities and Challenges", *Central Eurasian Studies*, 10 (2)
20. Nye, J. (2012), *The Future of Power*, translated by Ahmad Azizi, Tehran: Nei Publishing
21. Nowrozi, A. and Tajabadi, H. (2015), *Smart Power in the Islamic Republic of Iran's Defense Policy of*, Ardabil: Nayab Publications